

هنر به معنای عام نیست بلکه فقط ماده یک نوع هنر است یعنی ادبیات. و همه هنرها زبانی نیستند بنابراین ذکر کلمه زبان در جمله نخست از لحاظ منطقی درست نیست. ۳- هنر در معرض این تکنیک‌ها قرار ندارد بلکه وقتی می‌گوییم «تکنیک‌های لاینفک» یعنی عناصر ذاتی. و هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی، ذاتی هنرنده نه عارض بر آن. نمونه‌هایی از این دست در این کتاب کم نیست. و نیز جملاتی که از حیث نگارشی بعضاً سست و یا نادرست است.

«شاعر کوشش داشته بین سنت‌ها و عناصر معمول و مرسوم شعر گذشته و پدیده‌ها و مضامین روزمره اجتماعی آشتی (آن هم یک آشتی آشتی‌ناپذیر!) برقرار کند» (ص ۲۴).

این غزل اندکی رنگ و بوی «سعدی‌وار» دارد (ص ۴۲).

«حاصل این بی‌بهرگی، نظم‌های پیوسته‌واری است که از او به جای مانده» (ص ۵۰). می‌دانیم که «وار» پسوند صفت‌ساز است و پیوسته خودبخود صفت هست. «این شاعران مذکور، هیچکدام عمیقاً از غزل ساختارزدایی نکردند و برخی ابتکارات و نوگرانی‌هایشان صرفاً در حیطه سطح زبان و خیال بود» (ص ۱۹۶ - ۱۹۷).

به هنگام مطالعه گاه فکر می‌کردم که مشغول خواندن متون فارسی‌نویسان شبه قاره‌ام، چه از این نوع دست‌اندازهای زبانی در نثر فارسی قرن یازدهم و دوازدهم شبه قاره کم نیست. گرچه برخی از آنها آن «اغلوپه‌ها» را نوعی تصرف در زبان می‌دانستند و استادان فن مجاز به این تصرف بودند، اما متأسفانه امروز آفت ترجمه‌های بازاری و ضعف زبان رسانه‌ها دامن تحقیقات ادبی را نیز گرفته است. کاش آن دغدغه «سالم‌سازی زبان» (ص ۱۴۷) و تأکید بر سلامت زبان غزل که منتقد محترم در جای جای متن خود بر آن تأکید می‌کنند، در حیطه نثر فارسی نیز از یاد ایشان نرود.

در آخرین مقاله کتاب با عنوان «بررسی ریشه‌های تاریخی فقر تفکر در شعر امروز» نویسنده انگشت بر یکی از بیماری‌های عمده شعر معاصر گذاشته است.

جان کلام نویسنده این است که شعر معاصر گرفتار «مرگ معنویت» و مغلوب حس‌گرایی است، انسان جدید از معنویت تهی است و گرفتار تأثیرات فردی و سطحی از عینیات جهان. انسان جدید گرایش به اسطوره و مذهب و عوالم معنوی ندارد. نویسنده در سراسر این مقاله ۵ صفحه‌ای به شرح این مسائل پرداخته است. که البته این مسائل امروزی‌اند و از ویژگی‌های زندگی و هنر مدرن. حال آنکه نویسنده عنوان مقاله را «بررسی ریشه‌های تاریخی فقر تفکر در شعر امروز» [و احتمالاً فارسی] گذاشته است. گذشته از اینکه ریشه‌های تاریخی مسأله مورد بحث قرار نمی‌گیرد اشاره چندانی هم به شعر امروز فارسی نمی‌شود. بحث‌های انتقادی فلسفه معاصر مطرح می‌شود دوران معاصر و اندیشه‌های علمی را نگوئیم می‌کند و بطور ضمنی عصر اساطیری و فلسفه بدوی و ادراک تخیلی را می‌ستاید.

آنچه نویسنده آورده‌اند بیماری اندیشه و بحران تفکر در غرب است، و اما بیماری و فقر اندیشه در شعر معاصر ما از لونی دیگر است که بسیار با بحران اندیشه و تفکر غرب متفاوت است. آنها گرفتار فقر معنویت و غلبه بینش حسی و علمی‌اند و ما از فقر آگاهی و جهان‌نگری در رنجیم، ما هنوز درک و تجربه روشنی از تمدن جدید حاصل نکرده‌ایم، حتی بسیاری از قلمروهای مدنیت مدرن را نشناخته‌ایم، نه در شعر نه در رمان نه در سینما و نه در نقاشی. هنوز یک تجربه گروهی و قومی از مواجهه با تمدن در ادبیات و هنر ما منعکس نشده، شوک‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و علمی پیاپی بر پیکره تمدن ما وارد می‌شود، و اشتغال به بومیات و بومیات ما را از کلان‌نگری و جهان‌نگری باز داشته و کمتر فراغتی حاصل شده تا به جهان و جهانیان بیندیشیم، هنوز به یکی از محرک‌های تمدن جدید پاسخ نداده که محرک دیگری از راه می‌رسد و هنوز موقعیت تازه‌ای از مدرنیزم را تجربه نکرده‌ایم که موقعیت تازه‌تری ما را مسخر خویش می‌سازد و این از ویژگی‌های فرهنگ پیرو است. فقر اندیشه در شعر معاصر و کلاً هنر معاصر ایران ناشی از فقر آگاهی و فقر تفکر فلسفی و نهایتاً یکسان‌سازی اندیشه است.

گزیده قصاید و غزل‌های عراقی

شرح و تدوین: شادروان دکتر سید محمود

طباطبائی اردکانی

انتشارات قطره، چاپ اول: ۱۳۷۹

گزیده قصاید و غزل‌های عراقی شرح و تدوینی است بر اشعار «فخرالدین ابراهیم عراقی» از دکتر سید محمود طباطبائی اردکانی که به کوشش محمدعلی شاکری یکتا و ژامک طباطبائی اردکانی فراهم آمده است.

گردآورنده در پیشگفتار با استناد به منابعی چون نضجات الانس و اشعة اللمعات جامی مطالبی را درباره زندگی و احوال و آثار عراقی بیان کرده است. به زعم وی [عراقی] در سال ۶۱۰ هجری قمری در قریه‌ای به نام کومجان یا کمجان از نواحی همدان دیده به جهان گشوده، چنان که خود در اشعارش به نام این شهر یا ده اشاره کرده است:

جز عراقی که نیست امیدش

تا ببیند وصال کمجان را

یا:

یا صبا بوی سر زلف نگاری آورد

یا خود این بوی ز خاک خوش کمجان آید عراقی در شهر خود به یادگیری علوم و فنون مختلف همت گماشت و با داشتن خاندانی اهل علم و حکمت در هفده سالگی به جایی رسید که به قول نویسنده مقدمه دیوانش، بر جمله علوم از معقول و منقول مطلع شد و... در نبوغ و استعداد او سخن فراوان گفته‌اند از جمله اینکه در مدت نه ماه مجموع قرآن کریم را از حفظ کرده و به صوتی دلپذیر می‌خوانده و نیز دارای آن چنان تأثیر و قوت کلامی بود که مسلمانان را شیفته و مرید خود می‌کرد و غیر مسلمانان و جهود را به راه اسلام می‌گشایید. گردآورنده در این گزینش پس از آوردن هر شعر به شرح ابیات و واژگان دشوار آن پرداخته و به صنایع بدیعی موجود در هر بیت اشاره نموده است. در پایان نیز فهرست اعلام و آیات قرآن کریم گرد آمده است.

زنده یاد دکتر سید محمود طباطبائی اردکانی از استادان ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی بود که سالها مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی را برعهده داشت. ایشان که منشاء خدمات فرهنگی و علمی بسیاری بود سرانجام در حین تدریس دار فانی را وداع گفت. تعدادی از آثار ایشان هنوز چاپ نشده که از آن جمله است فرهنگ گویش اردکان که امید است به زودی منتشر و در اختیار علاقمندان قرار بگیرد.